

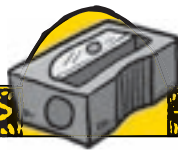
حقوق بشر از دیدگاه یک جهانخوار



معرفی جاهای مشهد
آبشار اخلمد

سفیر آمریکا
در صف شله!

از همین شنبه پلخمونی
شوید!
فراخوان جذب نویسنده طنز



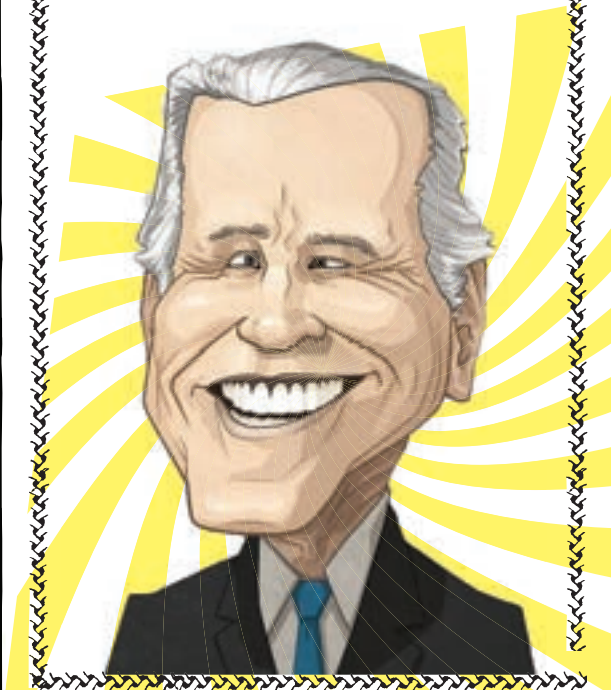
مجتبی نغمی راد

سرگرم

پرزیدنت رکورد می زند

همین هفته پرزیدنت آلزایمری مون شونصدمین سوتی ش رو به سمع و نظرمون رسوند و رکورد قبلی سوتی رو که دست خودش بود، ارتقا داد؛ مثل قیمت دلار، با این تفاوت که دلار بدون سوتی رکورد زده. جالبه که سوتی درباره تورم در آمریکا بود و بایدن گفته: «تورم در آمریکا به خاطر جنگ عراق! بالا رفته». حق دارن، این قدر در نقاط مختلف دنیا جنگ کردن که حسابش از دستشون در رفته. ما هم از این بابت که مشکلات اقتصادی خودمون رو به ینگه دنیا صادر کردیم و اونا هم بعد از آدم فضاپیا، زامبیا و پوتین یک غول تورم هم به فهرست دشمناشون اضافه شد، شاید کمی دلمون خنک شده باشه.

سؤال من اینه: وقتی توی آمریکا تورم دارن، اینجا باید قیمت دلار بره بالا یا بیاد پایین؟ پیچیده شد. به نظر نمی آد که به جای کار می لنگه؟



صفحه ۲
۱۴ آبان ۱۴۰۱
شماره ۵۴

قسمت پنجم
فصل جدید

خوابم میه

جفات

تورم

اگر خواب تورم دیدید، بدانید که خدا را شکر درمان بومی آن در کشور ما وجود دارد؛ مثلاً یک مفسر خواب معتقد به تورم نقطه‌ای و یک مفسر معتقد به تورم نقطه‌به‌نقطه است. برخی مفسران هم معتقدند بستگی دارد نمودار تورم را از کدام طرف بگیرید، چون یک تورم منفی به راحتی با چرخاندن نمودار در مقابل دوربین‌های تلویزیونی، تبدیل به تورم مثبت می‌شود، یا حتی با یک حرکت ریز و گذاشتن انگشت شست روی عدد صفر آخر، یک عالمه از عدد تورم کم می‌شود. اما اگر نظر ما را بخواهید، تعبیر خواب شما نگرانی از تورم در آلمان است که به عدد خانمان سوز ۱۰ درصد رسیده است!



فروش آنلاین

اگر خواب دیدید تعدادی بسته خرید اینترنتی برای شما آمده و هرچه تلاش می‌کنید، نمی‌توانید آن‌ها را باز کنید، چیز عجیبی نیست. تعبیرش خبر اعلام حمایت وزارت ارتباطات از کسب‌وکارهای اینترنتی به صورت بسته‌های حمایتی است. بسته هست، اما باز نمی‌شود. این قسمت خواب هم تعبیرش مربوط به خبر آسیب دیدن بیش از ۷۰ درصد کسب‌وکارهای آنلاین پس از مسدود شدن دو شبکه اجتماعی است. اصلاً بهتر است شما فقط خواب فروش آنلاین را ببینید. زیرا در خواب شما، اینترنت کاملاً پرسرعت، بدون قطعی و با بسته‌هایی نامحدود و ارزان در اختیارتان خواهد بود. شاید باورتان نشود، حتی در خواب لازم نیست نگران فیلتر شدن یا خرید فیلترشکن از فروشندگان بی‌انصاف باشید. چون کسی نمی‌تواند از محتوای خواب شما حتی انواع ناچور آن مطلع شود (البته این گزینه درباره کسانی که در خواب حرف می‌زنند، صدق نمی‌کند!).

هالووین

اگر در خواب ببینید که در مراسم هالووین هستید، می‌توانید وسط خواب مطمئن باشید که خواب هستید و بدون نگرانی از له شدن در فشار جمعیت، بپرید وسط ماجرا! چون ما در ایران از این مراسم‌ها نداریم، فقط می‌توانیم خواش را ببینیم. تازه اگر در خواب در حال ترساندن دیگران هستید، تعبیرش هم خوب است، به زودی جزو یکی از مسئولان دل‌سوز خواهید شد! اما اگر در خواب ببینید دیگران شما را می‌ترسانند، به زودی خیر بزرگی از اظهار نظر سنجیده یکی از مسئولان نثاران خواهد شد. نداشتن امکانات باعث نمی‌شود ما هیچ جور هالووینی نداشته باشیم. اتفاقاً عید و تابستان هر سال یک مراسم هالووین سنتی به نام «مسافرت جاده‌ای مذگان» داریم که در آن به جای ماسک و گریم ترسناک، از جاده‌ها و خودروهای ترسناک استفاده می‌کنیم. این مراسم برتری‌های آشکاری نسبت به نمونه خارجی دارد. مثلاً نه تنها در تعداد تلفات، که در میزان هیجان نیز هیچ نمونه خارجی هالووینی در دنیا به پای ما نخواهد رسید.



لُخ تو رُخ

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا - ۱۳ آبان ۵۸



۲ اونا هنوز دنیا نیومدن، آروم بگیر دو دقیقه.

۱ اخبار ۲۰۳۰ هم بخش می‌شه؟ من روی می‌بینم، بدون تعارف، مگه نه؟ وای من از نزدیک علی رضوائی ندیدم تا حالا...



۲ عمده ده پنجاهه، موفر فری مده! بعدشم فکر کنم چشم بندت رو خوب نیستم

۱ هی بیس! فکر کنم اونی که موهاش فر فریه رئیسشونه



۱ تو گوگل بگردیم متن هاش رو پیدا می‌کنیم ها!

۲ فکر کنم زیاد کار کردی خسته شدی. شما دیگه برو خونه



۱ زنگ بز بچه‌ها، بگو همون پهباد فیلم برداری رو بدن اسنپ بیاره.

۲ رفیق، سال پنجاه و هشته‌ها! فووش دو تا باتری فوودستمون رو بگیره.

آبشار
اخلمد

هم مخوام ببینم مخن برن اخلمد که چی کار کنن؟ آبشار نادیدن مگر؟ خب وخن همو دوش حموم خنتای تا هم آخر واز کنن، انا! همی شد آبشار! دگه نیمخه یم ایقدر راه کله کنن بوکوپن برن تا برسن به اخلمد. تازش مگر فکر کردن ای جوریه که قینگی برن در آبشار نگر درن لنگتای از ماشین دربیارن بذارن تو آبشار؟ بایست یک دو ساعت از میشد با ماشین برن تا نزدیک چنارون، بعدش ماشین ر تو روستای اخلمد نگر درن، واز یک دو ساعت دگه پیاده لخ بیکشین از تو آب خاک از رو سنگا رد برن تا تازش برسن به آبشار اولیش. تو راهشم از هم یکور آب پیشینگتا مره از یکور دگه گرد دولخ می شینه روتا. اوناهایم که مکش مرگمائی اعیونئی اونجه خر اجاره مکنن می نشینن روش که یک وخت لنگشا درد نگیره، واز اونایم می بینی ناسن خره یک لقط قایم مزنه تو گردشا یا کلپک دستشای کلف مزنه یا گزمبستی مزنشا به زمین. تازش بعد ایقدر بدبختیا که برسن به آبشار می بینن انا! ای که عین هم دوش حمومتای! حالا یک خردو درازتر گنده تر! اصلن ای آبشار اخلمد ر می گی از رو ای دکور آب نماها که تو ای هتلائی شیکان پیکان، چفت دیفال مذارن از چختش آب ول مره می ریزه تا پایین واز آبا ورمگرده از دوباره می ریزه، دژس کردن. هم هر وخت سالم که می ری همشه یک عالم آب آزو بالا پیشینگ مره ئی همه ی او دورورش لوش آزی خزه ها ئی گل گیاه دنگون ئی همه جا سبز. واز زمستونا اونجه ایقدر نسره که عین هم آلاسکا مره ئی همه آبشار یخ مزنه ئی قندیل مبنده، یک طوری که اگر شهرداری ودره از همو بالاش یک عالم آزی ککوها ای برفته ئی قرص اسمالتیر پودر نارگیل بیریزه، میشه همه مردم میشد قلفتی بین بستنی بخورن. واز یک عده آزی ورزشکارا که ایقدر بیکارن که با خودشا اثاثای مخصوصشای می یارن عین هم چی میچسپن به دیفالای آبشار آزو سنگا مرن به بالا. یک عده یم مرن تا آبشارای دئیم سیئم چارمیش بعدم تو او باغای میوه ی اونجه ئو مخورن. یک عده دگه یم که همو پای آبشار چفت رودخنه چادرشب مندزن منگا می یارن قلفت غذائی منقل آتیش ر راست ریس مکنن عین هم سیزده بدر حال مکنن بری خودشا. خلیصه که گفته بشم ایقدر راه نندزن برن تا اونجه که هم هیچه ندره.

دولخ گردو خاک
چخت سفت
کلپسه مارمولک
لخ کشیدن میدنوم ولی نیگم!
پیشینگ دگه برن در خینه
خودتا که خسته رفتن!



کارشناس حوزه انرژی در تاکسی



کارتون: نازنین اسماعیل زاده

انرژی می آورند، مطمئناً یک پولی بابت نظراتش می دهند، نه اینکه پولی هم بگیرند!

بالا بره. بگو پس. واسه همین آمار هم مصرف انرژی ایرانیا رفته بالا!

مسافر پشت سری دوباره گفت: بابا! منظور از انرژی چیزایی مثل نفت و... است.

گفتم: ما ایرانیا که خیلی وقته نفت نمی خریم. شماها خودتون آخرین بار کی نفت خریدین؟

در همین حین ناگهان از پشت دستش را محکم گذاشت جلو دهنم و محکم فشار داد تا دیگر نتوانم حرف بزنم.

انتظار داشتم راننده و بقیه مسافران این حرکت ناگهانی و خشونت آمیزش را به شدت هرچه تمام تر محکوم کنند و تندتند بگویند: ولش کن، ولش کن، ولش کن!

ولی در عمل نه تنها کاری نکردند، بلکه یک مسافر به او گفت: دمت گرم. و راننده هم گفت اگه تا خود فلکه پارک بتونی همین طور ساکت نگهش داری، کرایه ازت نمی گیرم.

البته راننده که به مسافر پشت سرم گفته بود ازت کرایه نمی گیرم، کرایه اورهام از من گرفت. نمی دانم چرا این طوری شد. چون توی تلویزیون وقتی کارشناس حوزه

همین که صندلی جلوی تاکسی نشستم، شنیدم رادیو گفت: طبق اعلام آژانس بین المللی انرژی، ایران جایگاه نخست مصرف انرژی را دارد.

گفتم: فقط مونده بود تاکسی تلفنیا هم آمار اعلام کنن.

راننده و مسافران عقبی گفتند: تاکسی تلفنی؟

گفتم: آره دیگه. خودش گفت آژانس اعلام کرده.

مسافر عقبی که دقیقاً پشت سر من نشسته بود، گفت: چی می گی! آژانس اسم یک سازمانه. تاکسی تلفنی کجا بود؟

گفتم: به هر صورت. بعدش هم ایرانیا فقط جایی می خورن. نوشابه انرژی را این قدر گروه که بیشتر مردم نمی تونن بخرن. حتی همین تقلبیاش هم گرون شده. گفت: منظور از مصرف انرژی که نوشابه انرژی زانیست.

گفتم: آها، فهمیدم. منظور همون انرژی صبحگاهیه که قبلنا وقتی واتس آپ بالامی اومد، استوری می کردیم که صبحتون پر انرژی! منم همه ش استوری می کردم تا ملت انرژی شون

سفیر آمریکا در صف شله!

آمریکا پس از حدود چهل سال هنوز ادعا می‌کند که سفارتش در ایران فقط یک سفارت بوده است، نه محلی برای جاسوسی. برای همین راه افتادیم رفتیم آمریکا و پای صحبت یکی از همان کارکنان سفارت در چهل سال پیش نشستیم و از او پرسیدیم: با وجود مدارک زیاد درباره اینکه شما واقعا جاسوسی می‌کردید، چرا همچنان این قضیه را انکار می‌کنید؟ سپس تعدادی عکس که در آن‌ها حضور داشت، به او نشان دادیم و از او پرسیدیم علت حضورش در هر کدام از این اماکن چی بوده اصلا؟!

ما برامون سؤال شد که چرا رفتی جایی که همه مشغول قلیون کشیدن هستن ولی پیپ توی دهنش گذاشتی؟ مثل اینکه خیلی می‌خواستی از افکار و عقاید مردم سر درباری؟
+ خوب من فقط رفته بودم مثل شما ایرانی‌ها قلیون بکشیم، ولی چون طعم دوسیب نداشتن مجبور شدم پیپ خودم رو روشن کنم.

صفحه ۴

۱۴ آبان ۱۴۰۱

شماره ۵۴

قسمت پنجم
فصل جدید

دم در سفارت انگلیس هم که حضور فعالی داشتی.

+ خوب معلومه دیگه! توقع داشتن برم سفارت مجارستان؟ من زبونم انگلیسی بود، اونا هم انگلیسی حرف می‌زدن. فقط مال من آمریکن بود، مال اونا بریتیش.

بدون اینکه از ماشینای سفارت استفاده کنی، سوار اتوبوس می‌شدی، می‌رفتی توی تجمعات. با اتوبوسای دوطبقه هم زیاد دیدنت.
+ حالا درسته طبقه اولش می‌رفته سمت تجمعات، ولی اون طبقه بالا ش مقصدش متفاوت بود. جای دیگه می‌رفت.

چراغی که
روزمان را
تاریک کرد!

فرهنگ شهروندی

آرشیو

همکار هم هست. چون همیار پلیسه. پلیس گفت: منظورم اینه که چرا چراغ قرمز رو رد کردین؟ پدرم گفت: آقای پلیس، چه خبره؟! همین هفته پیش سه تا جریمه دویست هزار تومانی بابت رد شدن چراغ اومد. یعنی همون پولی که می‌شد بابت سه کیلو گوشت قرمز بدیم رو باید بابت چراغ قرمز بدیم. پلیس گفت: پس سابقه داری؟ گفتم: آقا پلیسه، بابام که سابقه سیاه نداره، سابقه ش قرمه. نه تنها توی حرف که توی عمل هم پرسپولیسیه. پلیس گفت: گواهی نامه تون رو بدین. مادرم که تا این لحظه ساکت بود، گفت: آقای پلیس،

سوار ماشین شده بودیم تا برویم مهمانی، ولی وقتی چهارراه رو رد کردیم، یک افسر راهنمایی موتور سوار کنارمان آمد و اشاره کرد که بزنیم کنار. من و پدرم جلونشسته بودیم و مادرم عقب. پلیس گفت: چراغ قرمز بود ها! گفتم: آقا پلیسه! مگه ما گفتیم مثلا چراغ باد مجونی یا نونک مدادی بود. ماهم دیدیم قرمز بود. پلیس به پدرم گفت: چرا فقط کوچولو تون حرف می‌زنه؟ شما نمی‌خواهی چیزی بگی؟ پدرم گفت: راست می‌گه دیگه. از قدیم گفتن حرف راست رو از بچه بشنو! مخصوصا که بچه ما با شما

توی یکی از مغازه‌ها هم خیلی دیدنت. ولی همیشه دست خالی می‌اومدی بیرون. اونجا هم کسی رو تحت نظر داشتی؟

رفته بودم یک تراول پنجاه تومنی خرد کنم.

پنجاه هزار تومنی توی پنجاه سال پیش مگه بود؟

راست میگی‌ها. پس احتمالا رفته بودم یک شارژ دوهزار تومنی بخرم!



مثل اینکه بارها یک نفر رو خیلی تحت نظر داشتی و تعقیب می‌کردی.

ببین، یک نونوایی بودش نزدیک سفارت که نوناش تعریفی نبود و روی دستشون می‌موند. ولی یک روز یکی رو دیدم سنگ دورو کنج عالی دستش بود. با خودم گفتم بذار ببینم از کجا این نون رو می‌خرد. آخرش توی همین تعقیب کردن‌ها که حواسم به یارو بود، از پشت محکم زدم به یکی دیگه.



یه سؤالی برامون پیش اومده که چرا از ابتدای لاله‌زار می‌رفتی نهش، باز برمی‌گشتی از ته لاله‌زار می‌اومدی سر لاله‌زار؟!

معلومه دیگه. دنبال گل‌های لاله می‌گشتم. آخه اسمش لاله‌زار بود. فکر می‌کردم گل‌های لاله زیادی کاشته شده، ولی باور کنین هرچی دنبال گشتم، حتی یک گل هم نبود. همه‌ش خالی بندیده.



پمپ بنزین توی اصفهان هم می‌رفتی بنزین بزنی.

آره دیگه.

پس آدم خیلی بی‌باکی بودی!

آره، خیلی بی‌باکم. شما از کجا فهمیدین؟

چون بدون ماشین رفته بودی، یعنی بدون باکی که بشه توش بنزین ریخت!

آها. باور کنین بنزین زدم. فقط چون راه نزدیک بود، دیگه گفتم دو قدم راه ارزش نداره ماشین بردارم. چیه؟ به جوری نگاه می‌کنی انگار من با مخبر و رابط‌های خودمون توی اصفهان قرار داشتیم.



توی مشهد هم توی محله‌های مختلف زیاد می‌رفتی. ولی هرچی تحقیق کردیم، متوجه نشدیم دقیقا دنبال چی بودی.

من راستش رومی گم، خواهش‌باور کنین. تا متوجه می‌شدم فلان جا توی فلان وقت دارن شله می‌دن، زود از تهران راه می‌افتادم، می‌اومدم مشهد. البته برنامه داشتیم که یک کنسولگری هم توی مشهد بزنیم که دسترسی به شله راحت‌تر بشه، ولی نشد.

این یکی حرفت از بقیه حرفات باور پذیرتر بود.

دیدین! آخرش همه دنیا می‌گن ما آمریکاییا روراست نیستیم.

کارتون و تصویرسازی: نازنین اسماعیل زاده

صفحه ۵

۱۴ آبان ۱۴۰۱

شماره ۵۴

قسمت پنجم

فصل جدید

کارتون: علیرضا پاکدل



چقدر توقعتون زیاده. مگه به شوهر من گواهی نامه دادین که حالا ازش گواهی نامه می‌خواین؟ پلیس گفت: یعنی آقای راننده گواهی نامه نداره؟ مادرم گفت: از بس بهش سخت گرفتن! یه دفعه بهش گفتن چون زدی به شمشادای وسط بولوار، گواهی نامه نمی‌دیم. یه دفعه گفتن چون زدی به عابر پیاده گواهی نامه نمی‌دیم.

افسر آخری هم با طفلکی شوهرم لج کرد، اون هم فقط به خاطر اینکه موقع آزمون یک دفعه پیچید توی خیابون و یه موتور محکم خورد به در ماشین و افسر مجروح شد. خلاصه اینکه ماشین را بردند پارکینگ و ما مجبور شدیم بایک راننده تاکسی برویم مهمانی که نه تنها پشت هر چراغ قرمز، که حتی پشت چراغ زرد هم توقف می‌کرد.

جنگ جهانی در عربستان سعودی

با حضور محمد بن ابراهیم

صفحه ۶

واکنش زل روزنامه دولت به انتشار تصاویر جدید از وسمین رستم فاسمی صفحه ۶	محمدرضا حباتی درخواست فدراسیون فوتبال ایران از فیفا: ایران را از جام جهانی قطر حذف کنید برای تماشای صفحه ۶	مدیرکل خیلرات: نیش از ۹۰ درصد ماهیگیری تورهای خارجی کامل شد استاندارد صفحه ۶
وزیر خارجه ایران ما و اتحادیه اروپا در حال بررسی معرفی سپاه به عنوان یک جاذبه برای توریستی همستیم صفحه ۶	قاضی دادگاه عالی رکبان آقای محمدی نوکده این همه پول گرفتاری می کند چرا؟ چرامی چرخ میزند؟ فقط بلو	۲۰۶ صندوق دار پیرش آستان از اکرم سبقت گرفت شرایط معرفی جدید روستای ویرانی در راه است
	نرخ بازوری خراسان رضوی کمتر از معدل کشوری ایالت ماساچوست آمریکا	

پایان
محمد جواد لائمی خواه

Google

راهکار مسئولان برای جبران کسری داروهای اساسی

راهکار مسئولان برای اشاعه فرهنگ جایی نیات
راهکار مسئولان برای فرهنگ سازی شعار «عمر کمتر، زندگی بهتر»
راهکار مسئولان برای زدن شعب ناصر خسرو در همه شهرهای کشور
راهکار مسئولان برای تحریم همه شرکت های داروسازی خارجی
راهکار مسئولان برای راه اندازی خط تولید اکسیر حیات
راهکار مسئولان برای نمایش زیبایی های پس از مرگ به بیماران شیمیایی
راهکار مسئولان برای جایگزینی داروهای شیمیایی با عنبرنسا را
راهکار مسئولان برای درج روز ملی آنتی بیوتیک در تقویم
راهکار مسئولان برای دستگیری افراد دارای سابقه بیش از سه بار سرما خوردگی
راهکار مسئولان برای تغییر شاخص تب خطرناک از ۴۰ درجه به ۱۸۰ درجه

پیرا
میم نون

وقتی از خودروسازهای داخلی می پرسیم مگر فروش خودرو چقدر سود دارد؟

وقتی می بینی شون دوباره همونا توی صف واردات خودرو هستن.

صفحه ۶
۱۴ آبان ۱۴۰۱
شماره ۵۴
قسمت پنجم
فصل جدید

مردم عزیز ایران تخمه ژاپنی پس از وضع حمل به کشور باز خواهد گشت. این حق طبیعی هر آجیلی است که به فرزندش پاسپورت اروپایی هدیه بدهد و این یک مساله ای کاملاً خانوادگی و شخصی است.

فرشته
خونده

راهی شدن تخمه ژاپنی شهر ما به اروپا «کذب محض» است. اولاً تخمه ژاپنی که پر نداره، باباش خبر نداره! دوماً اصلاً سبزواری به اروپا مسیر ترانزیتی ندارد که تخمه ژاپنی هلیک و هلیک چمدان دست بگیرد بزند به جاده. سوماً اگر هم بخواد آب و هوایی عوض کند، طبیعتاً باید برود سمت توکیو و اوزاکا که دست کم صله رحمی کرده باشد. اصلاً تخمه جابانی را چه به این قرتی بازی ها! شیطنونه می گه همچین خوابونی زیر گوشش که یک پوستش بیفته گرینند، یکی تانزانیا مرتیکه چلغوز...

مردسلی

تخمه ژاپنی سبزواری راهی اروپا شد

این سفر بدون تردید یک سفر دانش بنیان بوده است و تخمه ژاپنی پس از توسعه استارت آپش به میهن باز خواهد گشت. بنده از همین تریبون یک هفته مهلت می دهم هر کس این شایعه را منتشر کرده است، تکذیب کند.

بانوی ددلاین

چگونه تاریخ آزادی با تاریخ آمریکا آغاز می شود

تاریخ به روایت آمریکا



انتقال رنگین پوستان به آمریکا: پس از مهاجرت داوطلبانه سرخ پوستان به زیر خاک، کثرت سفید پوستان به حدی بود که چشم‌رانی زد! بنابراین تصمیم گرفتیم رنگین پوستان را به حدی زدیم که چشم‌رانی زد! بنابراین تصمیم گرفتیم رنگین پوستان را به حدی زدیم که چشم‌رانی زد! بنابراین تصمیم گرفتیم رنگین پوستان را به حدی زدیم که چشم‌رانی زد!



رود باشکوه به خاک آمریکا: سرخ پوستان بومی آمریکا علاقه وافری به خاک خود داشتند. به منظور احترام به عقایدشان ۲۷ میلیون نفرشان را به خاک سپردیم.



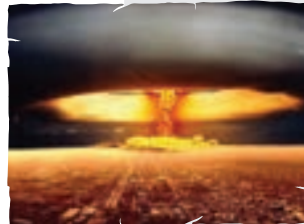
آزادسازی آلمان - پایان هیتلر: پس از نابودی ارتش هیتلر، با هزار بمب افکن به آلمان وارد شدیم و پیام آزادی را به گوش مردم آلمان رساندیم. ۱۰۰ هزار نفر از مردم شهر در سدن آلمان دچار گوش درد خفیف شدند که پیش از مراجعه به پزشک بادیدن ما ز شدت خوش حالی قبض روح شدند.



به عشق فیلیپین: اسپانیا با ترک فیلیپین، مردم آنجا را بدون سرپرست گذاشت و ما با احساس مسئولیت به کمک مردم فیلیپین شتافتیم و به عمران و آبادی آنجا پرداختیم. حین نظافت شهرها با ۶۰ هزار جنازه فیلیپینی روبه‌رو شدیم و آن‌ها را به خاک سپردیم. فقط حین تدفین خیلی دست و پایی زدند!



استقبال شورانگیز ویتنامی‌ها: همین‌طور در حال انتقال پیام آزادی به اقصی نقاط دنیا بودیم که به ویتنام رسیدیم. خیلی پشه داشت. ۲ میلیون نفر از مردم ویتنام به علت آشنابودن پلش‌کش‌های اهدایی حاوی عامل نارنجی دچار مسمومیت جزئی شدند که اگر زنده‌می‌ماندند، حال عمومی‌شان خوب بود!



آزادسازی ژاپن - پایان جنگ: مردم سرزمین آفتاب تابان که برای دیدن نمایش جشن آتش بازی هسته‌ای پایان جنگ جهانی آمده بودند، به علت رعایت نکردن فاصله مجاز با محل آتش‌بازی دچار سوختگی خفیف ۱ تا ۳ و بعضاً ۳ تا ۴۷ (!) شدند.



دوستان زیاد در همه جا: دوستان زیادی در همه جا پیدا کردیم. البته در باره استفاده نابجاز از رهو خطرات بهداشتی اسید برای سلامتی خبرنگاران با دوستانمان همیشه گفت‌وگو می‌کنیم.



آزادسازی افغانستان: عراق و بقیه جاها: عکس‌های یادگاری زیادی با مردم مهربان افغانستان، عراق و... گرفتیم.



زنان شاد خانواده خجسته: آن قدر به زنانمان آزادی دادیم که خانواده آمریکایی از شدت شغف کلا پوکید. بیش از نیمی از دختران ما پیش از ازدواج مادر بزرگ می‌شوند و دیگر آماری که از نظر برخی خاک بر سر است، ولی نشان از عشق ما آمریکایی‌ها به خانواده‌هاست.



مهربان با همه: محبت و مهربانی با همگان را سرلوحه کار خود در همه امور قرار دادیم. حتی جرج فلوید که باسفید پوستان مشکل‌نژادی داشت، وقتی با گردن خود به زیر زانو پلیس فشار می‌آورد، پلیس ماصورانه‌ها و با نگاهی مشفقانه او را شرم‌منده کرد.



زندانیان آزاد: آن قدر به مردمان آزادی دادیم که داشتند عوق می‌زدند. بنابراین تعداد زیادی داوطلبانه به زندان رفتند. این گونه بود که تعداد زندانیان مابه‌نسبت جمعیت در رتبه اول جهان قرار گرفت!



یک گزارش مغرضانه: سازمان ملل در گزارشی مغرضانه ۴ درصد مردم آمریکا را زیر خط فقر معرفی کرد. چه کسی باور کرد؟ هیچ کس جز یک عده آدم عقده‌ای بی‌شرفی شرفی شرف که چشم‌دیدن این همه رفاه‌ماراندارند.



دیگر دوستی: دیگر دوستی‌ها زیانزد خاص و عام است. مثلاً وقتی کودکان پروانه‌ای در ایران از شدت انسان دوستی‌ها گاهی پیدا کردند، از خوش حالی همین‌طور بال‌بال‌زدن و پریدن و برخی تاکنون برنگشته‌اند.



جشن وال استریت: رضایتمندی از وضعیت عمومی کشور ما این‌طور است که گاهی مردم و پلیس به‌طور مشترک اقدام به برگزاری جشن و پایکوبی در وال استریت می‌کنند و در یک مراسم سنتی به یکدیگر باتوم و شوکر و اسپری فلفل می‌زنند.

ساخت شهر فرودگاهی مشهد

با «یوان» چین

نشینید بر آن باند، با فش و فش
به این سادگی نه، که با کشمکش
همین باند را جان من صاف کن
ده و شهرک ایرلاین، پیشکش

بگردان روز مهماندار شیکش
بین آن بال های آنتیکش
فقط بحث سقوطش نیست دیگر
بترس از آنکه ترکد لاستیکش

ابتدا با قیمتش اجحاف کرد
بعد با صدها تکان تیک آف کرد
بود یک ساعت فقط پرواز من
هشت ساعت بنده را علاف کرد

ناز کرد و ناز کرد و ناز کرد
عاقبت پرواز را آغاز کرد
قصد من پرواز تا تبریز بود
روح من، جای خودم پرواز کرد

نوایی و نوایی و نوایی
چه ترسی داره پرواز هوایی
برو اول وصیت نامه بنویس
اگر رفتی تو با طیاره جایی

بیا لطفی کن ای طیاره ناز
تو نیکی می کن و ما را مینداز
اگر چه هست عزرائیل، دائم
به هر طیاره، مهماندار پرواز

کجای کارش آخه گیر داره؟
که پروازش همه ش تأخیر داره
ندونم کی بلیتش را گرفته
همی دونم دلی چون شیر داره

هر آن کس که هواپیما سواره
به ترس و وحشتی دائم دچاره
چه خوش می گفت بابایم که عاقل
دمی از رو زمین پا برنداره

از همین شنبه

پلخمونی شوید!

فراخوان جذب نویسنده طنز
اگر سابقه دارید، نمونه کارها و سوابق خود را به شماره زیر
در شبکه های اجتماعی بفرستید.

۰۹۰۳۰۷۰۲۴۸۶

اگر سابقه تان پاک پاک است، نمونه طنز بنویسید و به
همین شماره ارسال کنید.

پلخمونی

ضمیمه روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیرموسوی مهر
سر دبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارژنگ حاتمی
دبیر ضمیمه: مجتبی نغمی راد

تلفن: ۳۷۲۸۸۸۸۱ پیامک: ۳۰۰۷۲۸۱

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraranews.ir

این که یک نفر تنش می خارد، به خودش مربوط
است. ولی اینکه یک کشور جهان را می خاراند؟...
می خورد؟ حالا هر چی، بهانه اش چیه؟

دنیا از دید یک جهانخوار

انقلاب مخملین



بلوکه کردن اموال ملت ها



بمباران اتمی هروشمینا



غارث ثروت ملت ها



جنگ ویتنام



ایجاد گروه های تروریستی

